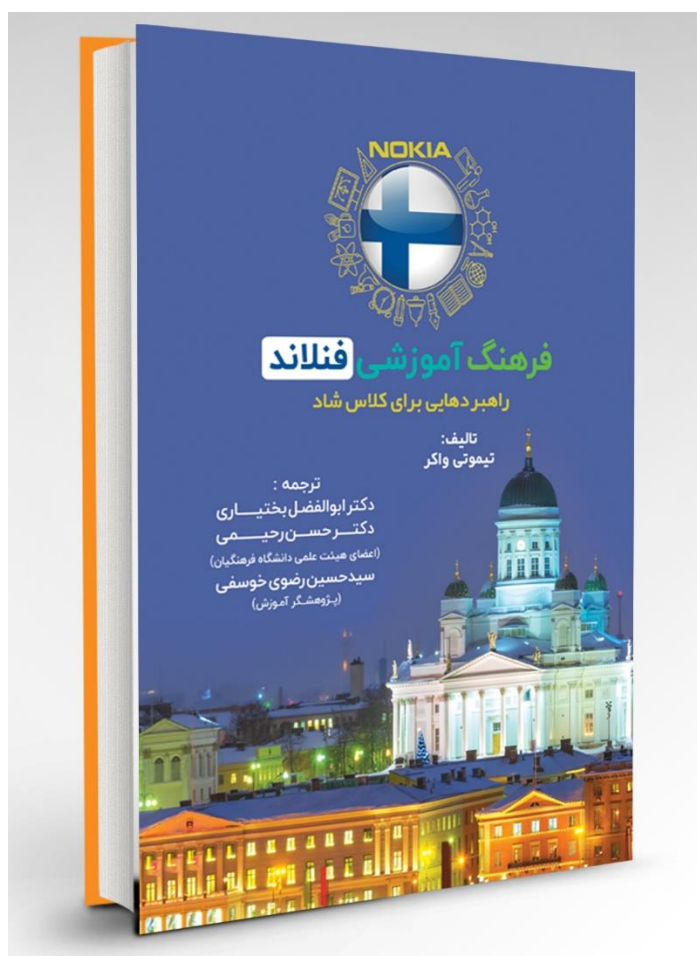


معرفی کتاب



چند سالی است که نظام آموزشی فنلاند به عنوان یک نظام آموزشی موفق و پیشرو در سطح جهان مطرح شده است و بر این اساس توجه زیادی از سوی سیاستگذاران آموزشی، معلمان و مدیران و ... به آموزش و پرورش این کشور شده است و افراد زیادی در قالب تورهای آموزشی به بازدید و بررسی مدارس و آنچه در روند آموزشی مدارس فنلاندی رخ می‌دهد، می‌پردازند.

این بازدیدهای کوتاه مدت به منظور مشاهده مدارس و شنیدن صحبت‌های معلمان و متخصصان آموزشی با هدف شناخت ماهیت نظام آموزش و پرورش فنلاند کافی نیست. شاید به جای آموزش دیدن در فنلاند، بهترین وضعیت برای رسیدن به شناخت جامع و کامل، این باشد که در فنلاند معلم شوید. و این همان چیزی است که تیم واکر معلم آمریکایی و نویسنده کتاب "فرهنگ آموزشی فنلاند (راهنمای برای کلاس شاد)"

انجام داده است و او را در مقام یک خبره و کارشناس نظام آموزشی فنلاند نشانده است. نوشته‌های او در این کتاب نشان دهنده درک و برداشت گسترده‌ای از بافت فرهنگی مدارس فنلاندی است و می‌تواند تجربه‌زیسته دست اولی را در اختیار معلمانی قرار دهد که از بیرون نظاره‌گرند و مشتاق کشف رازهای موفقیت فنلاندی‌ها در آموزش و پرورش‌اند و به دنبال راهنمایی‌هایی هستند که معلمان فنلاندی که کلاس‌های خود اجرا می‌کنند. تیموتی واکر در کتاب خود ۳۳ راهنمای ساده برای کلاس‌های درس شادی‌بخش را معرفی می‌کند که از معلمان فنلاندی آموخته است و آنها را در کلاس‌های خود به کار گرفته است. واکر در مورد ایجاد مدارس شاد، طبق پنج "مؤلفه" شادی که عبارتند از آسایش، تعلق خاطر، استقلال، تسلط و ذهنیت راهنمای واقع بینانه‌ای را ارائه می‌دهد. راهنمایی‌های ساده و عملی که هر معلمی در هر نقطه از جهان می‌تواند با به کارگیری آنها در کلاس‌هایش تجربه فنلاندی‌ها را به کلاس خود بیاورد و خود یک معلم فنلاندی باشد. همچنان که آقای پاسی سالبرگ، متخصص و کارشناس نظام آموزشی فنلاند در سطح جهان در پیشگفتار همین کتاب آورده است؛

«انتقال نظام آموزشی از جایی به جای دیگر غیرممکن است. نظام‌های آموزشی هویت‌های فرهنگی و زیستی پیچیده‌ای درست همانند گیاهان یا درختان هستند که فقط در خاک و اقلیم سرزمین مادریشان رشد می‌کنند. کتاب تیم واکر، تأییدی بر این موضوع است و در عوض، گام‌هایی عملی در خصوص چگونگی گنجاندن نشاط و خرسندی بیشتر در مدارس را ارائه می‌دهد. اگر با استفاده از ایده‌هایی که در ادامه ارائه خواهد شد قادر به تحقق این امر باشید، تا حدودی می‌توانید مانند فنلاندی‌ها تدریس کنید. موفق باشید.»

کتاب «فرهنگ آموزشی فنلاند» در سال ۱۳۹۸ در انتشارات تیک توسط آقایان دکتر ابوالفضل بختیاری، دکتر حسن رحیمی، سیدحسین رضوی خوسفی که خود از اساتید و معلمان آموزش و پرورش هستند ترجمه و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

خلاصه ای از فصل اول کتاب «فرهنگ آموزشی فنلاند»

مقدمه

در دومین ترم تحصیل در دانشگاه واحد سیاستگذاری در آموزش و پرورش را جهت گذراندن انتخاب کردم و سعادتمند آن را یافتم که در محضر استادی اهل دنیای کتابخوانی با مجموعه ای ارزشمند از کتابهای مفید در زمینه کیفیت آموزش و پرورش آشنا شوم. در میان این عناوین خواندنی با راهنمایی های استاد دکتر ابوالفضل بختیاری کتاب فرهنگ آموزشی فنلاند را برگزیدم تا با مطالعه و غور در همه جوانب آن به دنیای روشن دیگری در عرصه تعلیم و تربیت در سایر کشورها و فرهنگها قدم بگذارم. این نوشته برداشت مختصرم از مطالعه پیشگفتار روان، دیباچه و فصل اول این کتاب می باشد که به شیوه های موفق و اثر بخش آموزش و پرورش در کشور فنلاند می پردازد.

✓ معلمی در فنلاند از جمله برجسته ترین حرفه هاست. منزلت و جایگاه اجتماعی معلم در صدر قرار دارد. معلمان در این کشور ملزم هستند تا مانند هر متخصص دیگری خود را به روز کنند، دوره های کارشناسی ارشد پژوهش محور را بگذرانند و روانشناسی کودک بدانند. پداگوژی (استراتژی ها یا راهبردهای آموزش یا فن تعلیم)، آموزش نیازهای ویژه، آموزش موضوعی و برنامه آموزشی بسیاری مطالعه کرده باشند. تقویت پیوسته حرفه ای تدریس، اعتمادی راسخ و چشمگیر را در بین معلمان و مدارس پدید آورده است و در ارتقاء هرچه بیشتر جایگاه اجتماعی ایشان تاثیر شگرفی داشته است. معلمان فنلاندی صاحبان تصمیم های کوچک و ساده ای برای ترویج آموزش و یادگیری لذت بخش هستند. آنها در پی خلق یادگیری شادی بخش و پیش برنده هستند. شاداب سازی مسیر آموزش برای آنها در اولویت است. به شادی بیشتر از دستاورد اهمیت می دهند.

سپالا می نویسد: "چندین دهه پژوهش نشان داده است که شادمانی، نتیجه موفقیت نیست، بلکه پیشتا از آن است." زیربنای تجربه ی شادمانی، برآورده شدن نیازهای اولیه است. پس خواب، خوراک، آب، پوشاک و سرپناه از جمله پیش نیازهای اساسی ما و دانش آموزان کلاس های درس مان هستند. هر معلمی که حداقل یک سال تجربه کاری داشته باشد می داند که آموزش بیشتر به مارا تن شبیه است تا دو سرعت. او حتما با کیاست خود دریافته است که باید مسیر آموزش را برای کودکانی که برای زندگی در مدرسه به او سپرده اند، لذت بخش تر کند. به عبارتی آهسته و پیوسته در پی ایجاد هوشمندانه و خلاقانه فرصت های یادگیری و شکوفایی دانش آموزانش باشد. دقیقا همان چیزی که سعدی شیرین سخن به آن اشارتی درخور داشته است. رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود... رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود.

✓ برای اولویت بخشیدن به شادی در کلاس ها لازم است تا این ایدئولوژی مضر را نادیده بگیریم که به ما می گوید که خود را بر حسب مقدار کاری که انجام می دهیم ارزیابی کنیم. زمان ارزشمندترین دارایی ما معلمان است و از آن رو که میزان آن محدود است باید از آن به طور هوشمندانه ای استفاده کنیم و به آن رنگ دلپذیر وجد و شادمانی بزنیم. سلسله مراتب رهبری و مدیریت در مدارس فنلاند نسبتا هم سطح است. به عبارت دیگر بیشتر مدیران در کنار وظایف مدیریتی خود به تدریس دانش آموزان نیز می پردازند. این کار کمک می کند تا معلمان به شکل قابل اعتمادتری با مدیران در مورد نگرانی های آموزشی شان صحبت کنند. سالبرگ چنین استدلال می کند که در مدارس فنلاند رهبران معلمان و معلمان راهنمای آموزشی هستند.

✓ در فنلاند تفاوت اندکی در میزان موفقیت دانش آموزان در مدارس مختلف وجود دارد. یادگیری کودکان در مدارس این کشور در مقایسه با سایر کشورها کمتر تحت تأثیر پیش زمینه خانوادگی شان قرار می گیرد. از پنج عنصر اصلی به کمک دانش آموزان فنلاندی آمده است. چهار عامل آن به صورت مستقیم به مدارس و اختیارات آن مربوط می شود. یک: آموزش و پرورش متوازن، جامعه و کودک محور، تمرکز بر روی پرورش جنبه های گوناگون شخصیتی و استعدادی کودکان، نبود مدارس خصوصی و رقابت بین مدرسه ها، تمرکز روی آسایش بهداشت و شادمانی کودکان یکی از اهداف اصلی است.

دوم: تقویت پیوسته حرفه ای تدریس.

سوم: تشکیل تیم رفاه دانش آموزی متشکل از کارشناسان معلمان و مدیر مدرسه.

چهارم: رهبری سطوح میانی آموزش یعنی مدارس و نواحی محلی در اختیار اساتید مجرب و برگزیده می باشد. اما عواملی که به رویدادهای خارج از مدرسه کودکان می پردازد به قرار زیر است. وضعیت خارج از مدرسه دانش آموزان تعیین کننده اصلی تفاوت های موجود در میزان یادگیری آنها در مدارس است، در نتیجه سیاست گذاری های مختص به کودکان و نوجوانان در کنار شبکه ای از انجمن ها، باشگاه ها و سازمان ها در این روند تأثیر گذار است. از هر پنج نوجوان فنلاندی سه نفر در اوقات فراغت خود در انواع فعالیت های اجتماعی نظیر ورزش، هنر و فرهنگ مشارکت دارند. مراقبت و رشد همه جانبه خردسالان، بهداشت همگانی سیستم گسترده کتابخانه های عمومی از فعالیت های مدارس پشتیبانی می کند.

✓ یک نکته قابل توجه در آموزش فنلاندی ها استراحت ۱۵ دقیقه بعد از هر ۴۵ دقیقه تدریس است. به نظر می رسد که دانش آموزان بعد از این استراحت های کوتاه در کلاس های درس متمرکز تر هستند. پلگرمی و همکاری در پژوهشی متوجه شدند که وقتی زمان استراحت به تعویق می افتد و یا به بیان دیگر وقتی درس تداوم پیدا می کند، تمرکز دانش آموزان افت پیدا می کند. اگر استراحت کردن را به عنوان راهبردی برای به حداکثر رساندن یادگیری تلقی کنید، دیگر به سبب کوتاه کردن آموزش کلاسی عذاب وجدان نداریم. در حقیقت استراحت ۱۵ دقیقه ای کودکان را با تازه کردن ذهن هایشان متمرکز و خلاق نگاه می دارد. شرط سودمند بودن این استراحت ها این است که منظم باشد. زمان انتخابی باید از سه کیفیت برخوردار باشد. خوشایند باشد، استقلال دانش آموز در آن لحاظ شده باشد و تازگی داشته باشد.

✓ فضای کلاسی مدارس فنلاند هم پیرو شعار جالب آن ها که "کمتر غنی تر است" شکل گرفته است. آن ها حتی در خانه هایشان به دنبال فضاهای دنج و تا حد امکان ساده هستند. به عقیده نگارنده یکی از دلایلی که در مدارس فنلاند از سردرگمی خبری نیست فضای ساده یادگیری و به دنبال آن کاهش محرک های خارجی در کلاس های درس مخصوصاً به یاری کوچک ترها می آید. زیرا توانایی تمرکز چیزی است که با افزایش سن رشد می یابد و طبیعی است که قدرت و توان تمرکز در پایه های اول ابتدایی ضعیف تر است. برقراری تعادل در زمینه تزیین و آراستن فضای کلاس درس ضرورت دارد. ممکن است کلاسی که با تزیینات دیواری تزیین شده باشد به نظر تأثیر گذار بیاید اما اگر بیشتر به موضوع بیندیشیم شاید به فقدان یادگیری معنادار پی ببریم. به نظر نگارنده اگر هدف از این کار به نمایش گذاشتن تجربیات یادگیری نباشد این کار باری به دوش معلمان اضافه می کند و آنها را از اساسی ترین وظایف شان غافل می کند.

در این فصل از کتاب با عنوان آرامش بخش "آسایش" با پیشنهادات ساده اما کاربردی ذیل رو به رو هستیم.

✓ برای استراحت های ذهنی برنامه ریزی کنید.

✓ در حرکت بیاموزید.

✓ بعد از مدرسه تجدید قوا کنید.

- ✓ فضا را ساده نگه دارید.
- ✓ هوای تازه تنفس کنید.
- ✓ به محیط وحش بروید.
- ✓ آرامش را برقرار نگه دارید.

شاید این قوانین به ظاهر ساده به نظر برسند اما تاثیری شگفت انگیز بر روح و روان معلم به عنوان اولین عنصر فعال کننده پتانسیل های موجود در کلاس می گذارد. به عنوان مثال وقتی تنفس می کنیم در بازدم دی اکسید کربن خارج می کنیم، اگر میزان دی اکسید کربن بیش از حد شود، یادگیری به دلیل ضعف عملکردی مغز متوقف می شود. و این مشکل را می شود با تنفس اندکی هوای تازه و نشاط آور حل و فصل کرد.

نور طبیعی را به جای نور مصنوعی جایگزین کنیم و دمای بین ۲۰ تا ۲۲ درجه سانتیگراد را برای آسایش خودمان و دانش آموزانمان انتخاب کنیم.

با در نظر گرفتن اختلال فقر طبیعت، در پژوهش هایش بر این مسئله تاکید دارد که سپری کردن اوقاتی در طبیعت به کودکان کمک می کند تا اعتماد به نفس شان را تقویت کنند. کاهش علائم مربوط به اختلال نقص توجه و بیش فعالی، افزایش آرامش و تقویت تمرکز کودکان از جمله فواید دیگر حضور آنها در طبیعت است. حضور در طبیعت باعث کاهش قلدری کودکان می شود و از چاقی و اضافه وزن آنان نیز جلوگیری می کند. اگر در جایی هستیم که به طبیعت دسترسی نداریم با چندین روش ساده می توانیم به طبیعت دسترسی پیدا کنیم.

- ✓ اولین روش طبیعت را به داخل کلاس بیاوریم.
- ✓ دومین روش برای یکی از دروس یا بخشی از آن به بیرون برویم.
- ✓ سومین روش عبارت است از سرسبز کردن زمین های مدرسه با به عهده گرفتن پروژه ها. ما معلمان لازم نیست به تلاش های بلندپروازانه ای برای دستیابی به مزایای "آموزش محیط زیست محور" روی آوریم. می توانیم قدم های کوچکی برداریم و با پیوند دادن کلاس های مان با جهان طبیعت لذت ببریم.

نتیجه گیری

آموزش و پرورش مجموعه ای از نهادهای مختلف اجتماعی، سازمانها و خانواده هاست. سیاست گذاری در هر کدام از این زمینه ها بر آموزش و پرورش نیز تاثیر می گذارد و بسیار معقول و منطقی به نظر می رسد که در سطح خرد و کلان تصمیمات به گونه ای اتخاذ گردد که منجر به تقویت نهاد انسان ساز آموزش و پرورش گردد. از تاثیر روانی جایگاه معلم در ذهن خود او و دانش آموزانش غافل نمانیم و برای پیشبرد اهداف آموزشی و پرورشی در عین تعامل مثبت با دنیا و فرهنگ های مختلف، روش های موفق و موثر آنان را بومی سازی و استفاده کنیم. ضربان مهم آموزش و پرورش، پویایی، شادابی و نشاط است و این مهم به دست نمی آید مگر در سایه تغییر نگرش تصمیم سازان و تصمیم گیرندگان خرد و کلان. از نگاه یک مدیر سیاست گذار گرفته تا عمق بینش و دیدگاه یک معلم است که زمینه ساز بروز و ظهور بالندگی و شادکامی است.